



انسان کامل؛ جامع کلمات الهی، ظرف نزول قرآن و مصداق لیلۃ القدر

عضو هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی با بیان این نکته که حقیقت شب قدر مظلوفیت کلام الهی است...

عضو هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی با بیان این نکته که حقیقت شب قدر مظلوفیت کلام الهی است، انسان کامل را مصداق این ظرف دانست و عنوان کرد: انسان کامل به عنوان یگانه کلمه وجودی‌ای که در عین این که یک کلمه است، همه کلمات در او هست و مظهر اتم اسماء و صفات حق تعالی است، همان حقیقتی است که خداوند، قرآن را در آن نازل کرده است.

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن رمضانی خراسانی

حجت‌الاسلام و المسلمین حسن رمضانی خراسانی، عضو هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با اشاره به جایگاه رفیع شب قدر در آموزه‌های دینی، اظهار کرد: می‌توان گفت در میان پاره‌های زمانی، شب قدر از قله‌هاست؛ همان گونه که در مواضع مکانی بیت‌الله الحرام از قله‌هاست؛ همان گونه که در میان کلمات وجودی، انسان کامل از قله‌هاست و همان گونه که قرآن کریم در میان کتاب‌ها از قله‌هاست.

حجت‌الاسلام رمضانی در خصوص دست‌نیافتنی بودن حقیقت لیلۃ القدر برای افراد معمولی، گفت: مخاطب فرمایش خداوند تبارک و تعالی که می‌فرماید: «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ و از شب قدر چه آگاهت کرد» رسول‌الله (ص) است و خداوند به رسول‌الله (ص) می‌فرماید «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» بنابراین تنها اگر در مقام مقایسه برآییم، می‌توان گفت که «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيَّرَ مَنْ أَلْفَ شَهْرٍ؛ شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است» و عبادتی که در این شب صورت می‌گیرد، بهتر از عبادت هزار ماه خواهد بود. این آغازی‌ترین امر و ابتدایی‌ترین چیزی است که در رابطه با شناسایی شب قدر می‌توان گفت.

عضو هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی با اشاره به این نکته که حقیقت شب قدر در پاره‌ای از زمان خلاصه نمی‌شود، تصریح کرد: نازل‌ترین مرتبه از مراتب شب قدر همین شب زمانی و شب قدر به عنوان پاره‌ای از پاره‌های زمان است، اما یقیناً حقیقت شب قدر در این پاره از زمان خلاصه نمی‌شود و برای پی بردن به مراتب بالاتر از حقیقت شب قدر، ناگزیر از مراجعه کردن به فرمایش مفسران وحی هستیم.

خداوند تبارک و تعالی در وعاء وجودی فاطمه زهرا (س) 11 قرآن ناطق را نازل کرده و از دامن او 11 قرآن ناطق برخاسته است. ویژگی بودن جایگاه فاطمه زهرا (س) به این دلیل است که خود ایشان، پدر بزرگوارش و شوهر و فرزندان از مصادیق لیلۃ القدرند، در حالی که هیچ کدام از ائمه (ع) و حتی خود پیامبر (ص) را نمی‌توان ممتاز به این امتیاز یافت که از هر سو با انسان کامل حفاظت شده باشد.

حجت‌الاسلام رمضانی خراسانی با اشاره به سخن امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش فرات کوفی، در همین زمینه، گفت: فرات کوفی در تفسیر خود نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره حقیقت لیلۃ القدر پرسش کرده و امام (ع) در پاسخ به فرات می‌فرماید: «وَجَدْتَنَا فَاطِمَةَ (س) لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ مِنْ أَدْرَاكِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ جده ما فاطمه (س) حقیقت لیلۃ القدر است و هر کس فاطمه (س) را درک کند، حقیقت لیلۃ القدر را درک کرده است.» این فرمایش پررمز و رازی است که امام صادق (ع) فرموده و فهم آن برای هر شخصی میسر نیست، مگر اینکه براساس تعب و به این پشتوانه که امام صادق (ع) آن را بیان کرده‌اند، پذیرفته شود. اما اگر در پی تحلیل و تبیین این موضوع باشیم، یقیناً در ابتدا باید اصول و امهاتی را مورد نظر داشته باشیم که با توجه به آن امهات، این فرمایش جایگاه خود را پیدا کرده و مفهوم شود.

این استاد حوزه در تشریح این مطلب، با اشاره به این که لفظ «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» در آیه اول سوره مبارکه قدر بر ظرفیت دلالت می‌کند، عنوان کرد: ظرف بر دو گونه است؛ ظرف زمان و ظرف مکان و مکان را نیز می‌توانیم توسعه دهیم و از مکان معهود مورد نظر در عالم ماده، آن را فراتر برده و مطلق وعاء را که معنای آن شامل حتی مکان، جایگاه و منزل نیز هست، در نظر گیریم و مراد کنیم.

وی افزود: اگر «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» را دال بر ظرفیت زمانی بدانیم، معنای آیه «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» همان معنای متعارفی خواهد بود که در ذهن همه هست و بارها گفته و شنیده شده که قرآن در شبی به نام شب قدر و در پاره‌ای از پاره‌های زمان نازل شده است، اما اگر از نگاهی فراتر به این مسئله توجه کنیم و ظرفیت را محدود به ظرف زمان نگیریم، به این نکته منتقل خواهیم شد که حقیقت

لیلة‌القدر آن امری است که ظرف قرآن شده و قرآن در آن نازل و پیاده شده است و او قرآن را گرفته و با او اتحاد برقرار کرده، عینیت یافته و سر تا پا قرآن و سر تا پا حقیقت کلام‌الله شده است.

حجت‌الاسلام رضانی با بیان این که این حقیقت چیزی جز بنیه طیبیه محمدی(ص) به عنوان انسان کامل نیست، خاطرنشان کرد: انسان کامل به عنوان یگانه کلمه وجودی‌ای که در عین این که يك کلمه است، همه کلمات در او هست و مظهر اتم اسماء و صفات حق تبارک و تعالی است، همان حقیقتی است که خداوند، قرآن را در آن نازل کرده است. در حقیقت، قرآن در وجود آن کسی که یکپارچه و سر تا پا قرآن ناطق است، نازل شده است.

این استاد عرفان حوزه علمیه قم با اشاره به سخنی از نبی مکرم اسلام(ص)، گفت: رسول خدا(ص) در یکی از فرمایشات بسیار زیبایی خود که بزرگان عالم معرفت از حضرت نقل کرده‌اند، خطاب به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) می‌فرماید: «یا علی لا یعرف الله الا انا و انت و لا یعرفنی الا الله و انت و لا یعرفک یا علی الا الله و انا؛ خدا را کسی جز من و تو نشناخت و مرا کسی جز خدا و تو نشناخت و تو را هم کسی جز من و خدا نشناخت.»

انسان کامل به عنوان حقیقتی که از هر تعلق و رنگی برکنار است و هیچ وابستگی و دلبستگی به کثرات خلقیه ندارد، حقیقتی مجتمع و مصطفی و مجتبی است که توانسته قرآن و کلام‌الله را گرفته و در خود پیاده کند و یکپارچه قرآن شود

وی ادامه داد: در این روایت رسول‌الله(ص) به عنوان حقیقت محمدی و علی بن ابی طالب(ع) به عنوان حقیقت علوی در کنار حق تبارک و تعالی فهرست شده‌اند و خاصیت آن‌ها «ناشناختنی بودن» توصیف شده است. در واقع همان گونه که رسیدن به کنه ذات حق تبارک و تعالی برای احدی میسر نیست، درک کنه ذات حقیقت نبوی و حقیقت علوی نیز برای احدی غیر از خود این حقایق و کسانی که با این حقایق قریب الافق هستند، میسر نیست.

حجت‌الاسلام رضانی خراسانی در پاسخ به این سؤال که چرا از انسان کامل به لیلة‌القدر تعبیر شده است؟، گفت: «لیلة؛ 171؛ عرف ادبیات عرب به پاره‌ای از زمان گفته می‌شود که در آن نور خورشید وجود ندارد و ستر، خفا و اختفا حاکم است. این تعبیر، در واقع تعبیری کنایی از انسان کامل است که براساس آن، همچنان که شب در برابر روز، فانی و در برابر نور، مستور و مخفی است، انسان کامل نیز در برابر نوری که عبارت از ظهور حق است، فانی، مستتر و مخفی است. انسان کامل در برابر حق، انانیت، خودی و منیت ندارد و در فَنای محض به سر می‌برد و از همین رو و به واسطه همین فنا یافتن از آن به شب تعبیر شده؛ شبی که ظرف بقاست.

وی با اشاره به اضافه شدن «لیلة؛ 171؛» به «قدر؛ 171؛» گفت: قدر به معنای عظمت و منزلت است و آن کسی که عین عظمت و عین منزلت است، چیزی جز حق تبارک و تعالی نیست، همچنان که در روایات نیز اشاره شده است که «قدر؛ 171؛» «الله»، «قدر؛ 171؛» در اینجا وجود حق تبارک و تعالی است و «لیلة‌القدر؛ 171؛» آن حقیقت مضاف و فانی در حقیقت «قدر؛ 171؛» یعنی حق تبارک و تعالی است که کسی جز انسان کامل نیست.

این متخصص علوم و معارف اسلامی با تشریح نسبت قرآن و انسان کامل گفت: انسان کامل به عنوان حقیقتی که از هر تعلق و رنگی برکنار است و هیچ وابستگی و دلبستگی به کثرات خلقیه ندارد، حقیقتی مجتمع و مصطفی و مجتبی است که توانسته قرآن و کلام‌الله را گرفته و در خود پیاده کند و یکپارچه قرآن شود و همان گونه که قرآن مصون و محفوظ است «قدر؛ 171؛» و لا یمسه الا المطهرون»، انسان کامل نیز مصون و محفوظ است.

حجت‌الاسلام رضانی در پاسخ به این پرسش که چرا امام صادق(ع)، فاطمه زهرا(س) را به عنوان لیلة‌القدر معرفی می‌کند و از خود یا از پدر و اجداد خود سخن نمی‌گوید؟، گفت: اگر چه رسول‌الله(ص) اولین مخاطب و دریافت‌کننده قرآن و قرآن ناطق است، اما علی بن ابی طالب(ع) و فرزندان او همه از مصادیق انسان کامل و مصادیق لیلة‌القدر هستند، اما در میان همه فاطمه زهرا(س) از جایگاهی ویژه برخوردار است و به خاطر همین جایگاه ویژه، امام صادق(ع)، فاطمه زهرا(س) را اختصاص به ذکر می‌دهد.

وی با تأکید بر جایگاه ویژه حضرت فاطمه(س)، افزود: خداوند تبارک و تعالی در وعاء وجودی فاطمه زهرا(س) 11 قرآن ناطق را نازل کرده و از دامن او 11 قرآن ناطق برخاسته است. ویژه بودن جایگاه فاطمه زهرا(س) به این دلیل است که خود ایشان، پدر بزرگوارش و شوهر و فرزندان از مصادیق لیلة‌القدرند، در حالی که هیچ کدام از ائمه(ع) و حتی خود پیامبر(ص) را نمی‌توان ممتاز به این امتیاز یافت که از هر سو با انسان کامل حفاظت شده باشد و آن حقیقتی که از همه جهت محفوظ به لیلة‌القدر است و در کانون و وسط قرار گرفته کسی جز فاطمه زهرا(س) نیست.